

به نام خدا

اختلالات یادگیری در مدرسه

مولفان :

بهاره سراج

مریم جنادله خیونی

الهه قهرمانلو سیاهدشت

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۲

سرشناسه: سراج، بهاره، ۱۳۷۳-
عنوان و نام پدیدآور: اختلالات یادگیری در مدرسه/مولفان بهاره سراج، مریم
جنادله خیونی، الهه قهرمانلو سیاهدشت.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۴۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۰۲۷-۲

Learning disabilities
Learning disabled children
Mental retardation

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۸ - ۱۴۳.
موضوع: یادگیری -- اختلالات
کودکان ناتوان در یادگیری
کندذهنی

شناسه افزوده: جنادله خیونی، مریم، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده: قهرمانلو سیاهدشت، الهه، ۱۳۷۸-
رده بندی کنگره: LC۴۷۰۴
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۸۰۳۹۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: اختلالات یادگیری در مدرسه
مولفان: بهاره سراج - مریم جنادله خیونی - الهه قهرمانلو سیاهدشت
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: مدیران
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۰۲۷-۲

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول: اختلال یادگیری چیست؟.....	۱۱
تاریخچه اختلالات یادگیری.....	۱۲
تعریف اختلالات یادگیری.....	۱۴
شیوع.....	۱۹
ویژگی های کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری.....	۲۱
ویژگی های کودکان مبتلا به ناتوانی در ریاضیات.....	۲۵
ویژگی های نوجوان دارای اختلالات یادگیری.....	۲۶
انواع اختلالات یادگیری.....	۲۷
ناتوانی در خواندن (دیسلکسی).....	۲۷
ناتوانی در هجی کردن (دیس آرتوگرافیا).....	۲۹
ناتوانی در نوشتن (دیس گرافیا).....	۲۹
تشخیص و ارزیابی اختلالات یادگیری.....	۳۹
فصل دوم: سبب شناسی اختلالات یادگیری.....	۴۷
مقدمه.....	۴۸
تاریخچه اختلالات یادگیری.....	۴۹
تعاریف اختلالات یادگیری.....	۵۲
طبقه بندی ناتوانی های یادگیری.....	۵۵
علل اختلالات یادگیری.....	۶۲
آسیب مغزی اکتسابی.....	۶۲
وراثت.....	۶۳

- عوامل زیستی-شیمیایی ۶۳
- محرومیت محیطی و تغذیه‌ای ۶۴
- ارتباط علت شناسی با آموزش و پرورش ۶۵
- نظریه‌های مربوط به اختلالات یادگیری ۶۶
- (۱) نظریه غلبه طرفی مغز ۶۷
- (۲) نظریه شناخت گرایان ۷۰
- (۳) نظریه روانکاوان ۷۰
- (۴) نظریه کوتاهی دامنه توجه ۷۱
- (۵) نظریه فرابری آگاهی‌ها ۷۴
- (۶) نظریه تأخیر در رشد ۷۷
- (۷) نظریه ضایعات خفیف مغز ۷۸
- (۸) نظریه چند عاملی ۸۰
- برآورد درصد شیوع اختلالات یادگیری ۸۱
- اعتمادبه‌نفس، رفتار اجتماعی و بزهکاری ۸۳
- واکنش در برابر شکست ۸۳
- انتظار موفقیت یا شکست ۸۴
- زمان پایداری (یا ایستادگی) ۸۶
- نظریات مختلف درباره علل موفقیت و شکست ۸۷
- دلایل شکست ۸۸
- دلایلی برای موفقیت ۹۰
- ادراکات اجتماعی ۹۱
- ناتوانی‌های یادگیری و بزهکاری نوجوانی ۹۳
- نظریه‌های علی ۹۴
- نظریه‌های غیر علی ۹۶

۹۷	علل ناتوانی‌های یادگیری.....
۱۰۳	فصل سوم: مداخله و درمان اختلالات یادگیری.....
۱۰۴	دانش آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری.....
۱۰۴	برنامه آموزشی کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری.....
۱۰۶	آموزش انفرادی و کلاسی به دلایلی متفاوتند:.....
۱۰۸	توصیه‌هایی برای رفع مشکلات خواندن و هجی کردن.....
۱۰۹	توصیه‌هایی برای رفع مشکلات نوشتن.....
۱۱۰	توصیه‌هایی برای رفع مشکلات حساب کردن.....
۱۱۱	توصیه‌هایی برای رفع مشکلات نارسایی توجه.....
۱۱۲	توصیه‌های کلی آموزشی.....
۱۱۳	والدین چه اقدام‌هایی باید انجام دهند؟.....
۱۱۴	درمان اختلالات یادگیری.....
۱۱۴	درمان از نگرش ادراکی - حرکتی.....
۱۱۶	درمان از شیوه‌های رفتاری.....
۱۱۷	فصل چهارم: عقب‌ماندگی ذهنی.....
۱۱۸	کم‌توانی ذهنی.....
۱۱۹	شیوع.....
۱۱۹	سبب‌شناسی.....
۱۲۰	ارزیابی و تشخیص کم‌توانی ذهنی.....
۱۲۱	ویژگی‌های کودکان کم‌توان ذهنی.....
۱۲۵	اختلالات شایعی که یکی از علایم آن‌ها کم‌توانی ذهنی است.....
۱۲۸	اثر عقب‌ماندگی ذهنی بر خانواده.....
۱۲۸	انواع کم‌توانی ذهنی.....

۱۳۱ پیشگیری

۱۳۷ منابع و مآخذ

پیشگفتار

اختلال یادگیری در کودکان دبستانی یکی از عوامل نبود موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان است که منجر به افت تحصیلی، کاهش اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس و ترک تحصیل آنها می‌شود. برچسب‌های «عقب‌مانده»، «تنبل» و غیره به این قبیل دانش‌آموزان آنها را از ادامه تحصیل بازمی‌دارد و صدمات جبران‌ناپذیری از نظر روانی و اقتصادی به کودک و خانواده و نظام آموزش و پرورش کشور وارد خواهد کرد.

ناتوانی‌های یادگیری، یا اختلالات یادگیری، اصطلاحی مادر برای طیف گسترده‌ای از مشکلات یادگیری است. ناتوانی یادگیری ارتباطی باهوش یا انگیزه ندارد. کودکان دارای اختلال یادگیری تنبل یا خنگ نیستند. در حقیقت، اکثر آنها به اندازه بقیه باهوش هستند. فقط سیم‌کشی مغز آنها متفاوت است. این تفاوت بر نحوه دریافت و پردازش اطلاعات توسط آنها تأثیر می‌گذارد.

به زبان ساده، کودکان و بزرگسالان دارای اختلال یادگیری چیزها را متفاوت می‌بینند، می‌شنوند و درک می‌کنند. این می‌تواند در یادگیری اطلاعات و مهارت‌های جدید و استفاده از آنها باعث مشکل شود. متداول‌ترین انواع اختلالات یادگیری شامل مشکلات خواندن، نوشتن، ریاضیات، استدلال، شنوایی و گفتار است. با اینکه هر بچه‌ای هر از چند گاهی در انجام تکالیف شب مشکل دارد، اگر یک حوزه خاص از یادگیری به طور مداوم مشکل‌ساز شود، این می‌تواند نشان‌دهنده یک اختلال یادگیری باشد.

علائم و نشانه‌های یادگیری در کودکان متفاوت است، ممکن است یک کودک با خواندن یک متن مشکل داشته باشد و کودک دیگر حل مسائل ریاضی برایش سخت باشد، حتی ممکن است بعضی از کودکان در ارتباط برقرارکردن با دیگران و خواندن متن با صدای بلند مشکل داشته باشند اما شناسایی اختلالات همیشه آسان نیست؛ چرا که این اختلالات می‌تواند متفاوت و متنوع باشند و نشانه خاصی ندارد که شما راحت‌تر شناسایی کنید. اما بعضی از نشانه‌ها در بسیاری از کودکان شایع است.

نشانه‌های اختلال یادگیری در سن پیش‌دستانی

- ❖ مشکلات تلفظ کلمات.
- ❖ مشکل در یافتن کلمه مناسب.
- ❖ دشواری قافیه زدن.
- ❖ مشکل در یادگیری الفبا، اعداد، رنگ‌ها، اشکال، روزهای هفته.
- ❖ مشکل در پیروی از دستورالعمل‌ها یا روال‌های یادگیری.
- ❖ مشکل در کنترل مدادرنگی، مداد و قیچی یا رنگ‌آمیزی درون خطوط.
- ❖ مشکل در بستن دکمه‌ها، زیپ‌ها، زدن ضربه محکم و ناگهانی، یادگیری بستن کفش.

نشانه‌های اختلال یادگیری در سنین ۵-۹ سالگی

- ❖ مشکلی در یادگیری ارتباط بین حروف و صداها وجود دارد.

- ❖ ترکیب صدا برای ساخت کلمات امکان‌پذیر نیست.
- ❖ هنگام خواندن کلمات اساسی را اشتباه می‌گیرد.
- ❖ برای یادگیری مهارت‌های جدید کند است.
- ❖ به طور مداوم در نوشتن کلمات دچار اشتباه املائی می‌شود و مرتباً خطا می‌کند.
- ❖ مشکل در یادگیری مفاهیم پایه ریاضی.
- ❖ مشکل در گفتن زمان و به‌خاطر سپردن توالی‌ها.

اختلالات یادگیری ممکن است مشکلات طولانی‌مدتی برای فرزندان ایجاد کند، اما جای نگرانی نیست می‌توانید با مراجعه به مراکز مشاوره و درمانی این اختلالات را درمان کنید. خانواده، مدرسه، معلمان می‌توانند نقش بسیار پر رنگی در درمان اختلالات یادگیری داشته باشند.

سخنی از مؤلفین

فصل اول: اختلال یادگیری

چیست؟

تاریخچه اختلالات یادگیری

متأسفانه، تاریخچه آموزش کودکان مبتلا به ناتوانی‌های خاص یادگیری بسیار کوتاه است. تا سال ۱۹۶۰ مشکل این کودکان تقریباً شناخته نشده بود. در این سال تلاش‌هایی وسیع آغاز شد و نظریات متفاوتی عنوان گردید، دسته‌ای ناتوانی‌های خاص یادگیری را معلول تنبلی کودکان خواندند، دسته‌ای دیگر وجود ضایعه مغزی را علت این عارضه تلقی کردند. گروهی معلولیت ادراکی و گروه دیگر اختلالات عصبی را علت ناتوانی یادگیری می‌شناختند. آشفنگی و سردرگمی موجود چندان هم بی‌علت نبود.

اصولاً شناخت کودکان مبتلا به ناتوانی‌های خاص یادگیری، مستلزم گذشت زمان بود. گذشت زمانی که موجبات به هم رسیدن علوم متفاوتی چون پزشکی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، توانبخشی و... در گره‌گاه واحدی به نام اختلال یادگیری را فراهم کرد. در این میان پزشکی نخستین رشته‌ای بود که به تشخیص دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری توجه کرد. پس از آن روان‌شناسان به مطالعه خصوصیات این دانش‌آموزان پرداختند. با این وجود تا اوایل دهه ۱۹۶۰ کاری که در خور توجه باشد انجام نگرفته بود، به همین علت در این دهه، علمای تعلیم و تربیت نیز به جریان مذکور پیوستند و برای حل این مشکل پیشقدم گشتند.

در سال ۱۸۹۶ پزشکی انگلیسی به نام مورگان وضعیتی را گزارش کرد که آن را کوری لغات می‌نامید. حالتی که ناتوانی در خواندن کلمات از آن تعبیر می‌شد. چند سال پس از آن یعنی در سال ۱۹۲۰ این مورد جای خود را به عنوان مفهومی در مطالعات علمی باز کرد.

فصل اول: اختلال یادگیری چیست؟ ۱۳

در سال ۱۹۳۰ عصب آسیب‌شناسی به نام اُرتون^۱ رابطهٔ میان غلبه مغز و اختلالات تکاملی زبان را مورد مطالعه قرار داد. در سال ۱۹۴۷ استراوس^۲ و لتی‌نین^۳ کتاب «آسیب‌شناسی روانی و تربیت کودک معلول مغز» را منتشر کردند که بر پایهٔ آن ناتوانی‌های یادگیری ناشی از ضایعات مغزی قلمداد می‌شوند.

از سال ۱۹۴۸ به بعد تلاش‌هایی شکل یافته‌تر در این زمینه آغاز شد که به طور عمده مربوط به تلاش برای کشف حدود و علل متفاوت ناتوانی‌های یادگیری بود. این تلاش‌ها ادامه یافت و به پدیدآمدن گروه‌های محلی و سازمان‌های ایالتی متفاوتی انجامید که در سال ۱۹۶۳ با برگزاری یک کنفرانس ملی به رهبری ساموئل کرک^۴ در شیکاگو اقدام به ایجاد و سازماندهی یک مؤسسه ملی کردند. در همین سال کرک طی سخنانی در این کنفرانس گفت: موضوع بحث ما در این جا کودکانی هستند که یا به جهت سبب‌شناسی (برای مثال نقص کار مغز، نقص جزئی در کار مغز یا اختلال عصبی - روانی)، یا به سبب جلوه‌های رفتاری‌شان (برای مثال، اختلال‌های ادراکی، فعالیت‌های حرکتی بیش از حد، نارساخوانی یا دیس لکسی) نامی بر آن‌ها نهاده شده است کرک در اظهارات خود پیشنهاد کرد که برای پرهیز از معمای پیچیدهٔ کار ناقص مغز، از اصلاح «ناتوانی یادگیری» که در برگیرندهٔ تمام افراد مورد نظر است استفاده شود.

اولیای کودکانی که به ناتوانی یادگیری مبتلا بودند و با اصطلاحات پیشنهاد شدهٔ قلبی موافقت نداشتند. این اصطلاح را شور و شوق پذیرفتند و مؤسسه کودکان ناتوان در

^۱. orton

^۲. strauss

^۳. Lehtinen

^۴.kirk

یادگیری را تشکیل دادند. این نامگذاری مشکل به وسیله کرک و تشکیل مؤسسه کودکان ناتوان در یادگیری معمولاً به عنوان شروع اداری و رسمی حرکت در جهت برخورد با ناتوانی‌های یادگیری در نظر گرفته می‌شود (افروز و همکاران، ۱۳۹۴).

تعریف اختلالات یادگیری

اصطلاح اختلالات یادگیری از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته است که به طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و درعین حال در چهارچوب سنتی کودکان استثنایی نمی‌گنجند.

تعاریف ناتوانی یادگیری با تغییرات متنوعی همراه بوده است این امر ممکن است به‌خاطر ارزشیابی و بازنگری‌های متحد و در این قلمرو و ماهیت علمی آن باشد. رشته‌های تخصصی متعددی به طور مثال پزشکی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، زبان‌شناسی و عصب‌شناسی، هر کدام اصطلاحاتی را برای تبیین این اختلال دخیل کرده‌اند. برای مثال علوم تربیتی عبارت ناتوانی یادگیری خاص را به کار می‌برد، روان‌شناسی از مقولات همچون اختلالات ادراکی، رفتارهای فزون کنشی، نقص توجه و زبان‌شناسی از عبارات ناگویی اکتسابی، نارساخوانی و پزشکی و عصب‌شناسی از موارد ضربه مغزی، نارساکنش‌وری قلیل مغز، صدمه یا آسیب مغزی استفاده می‌کنند. (شریفی درآمدی، ۱۳۹۶).

تعریف قانون آموزش و پرورش برای کودکان دارای ناتوانی یادگیری چنین است:

فصل اول: اختلال یادگیری چیست؟ ۱۵

«ناتوانی یادگیری بخصوص، یعنی اختلالی در یک یا چند فرایند روانی پایه که به درک یا استفاده از زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکرکردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن، یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود. این اصطلاح شرایطی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب‌دیدگی‌های مغزی، نقص جزئی در کار مغز، دیس‌لکسی یا نارساخوانی و آفازیای رشدی را در بر می‌گیرد.» (جرالد و مگ لافلین، ۲۰۱۷).

انجمن مخصوص کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری تعریف دیگری را ارائه داده است، این تعریف معتقد است که ناتوانی‌های یادگیری ریشه نورولوژیک دارد و وجه تمایز این تعریف آن است که وسعت حوزه‌هایی که تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرند. وسیع‌تر می‌کند و آن را به چیزی غیر از دروس نیز گوش می‌دهد. تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری ویژه، حالتی مزمن است که منشأ نورولوژیک دارد و به‌صورت انتخابی در کار رشد و یا ابزار مهارت‌های کلامی و غیرکلامی دخالت می‌کند. این اختلال ممکن است در افرادی که دارای هوش متوسط یا بالا و کسانی که سیستم‌های حسی و حرکتی‌شان به طور کافی درستکار می‌کند و اشخاصی که از فرصت‌های یادگیری به‌اندازه کافی استفاده می‌کنند نیز تظاهر کند. ناتوانی‌های یادگیری از نظر نوع تظاهرات و میزان رشد فرد می‌تواند متفاوت باشد. این حالت ممکن است در سراسر زندگی در عزت‌نفس، تحصیلات، شغل، ارتباط با دیگران و فعالیت‌های روزمره فرد، تأثیر منفی بگذارد» (دانیل پی و کافن، ۲۰۱۸).

در سال ۱۹۸۱ کمیته مشترک ملی برای ناتوانی‌های یادگیری (njcld)، مرکب از: نمایندگان انجمن گویایی و شنوایی آمریکا، جامعه کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری، شورای مخصوص ناتوانی‌های یادگیری، بخش مربوط به کودکانی که دچار اختلالات ارتباطی هستند، انجمن بین‌المللی خواندن، انجمن دیسلکی مشترکاً تعریفی ارائه داده‌اند که چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری یک اصطلاح کلی است که به علت گروهی از بی‌نظمی‌های نامتجانس به وجود می‌آید. این حالت ممکن است به صورت اشکالات مهمی در اعمالی نظیر: گوش‌دادن، صحبت‌کردن، خواندن، نوشتن، استدلال‌کردن یا حساب‌کردن تظاهر نماید. اکثر این بی‌نظمی‌ها جنبه ذاتی دارند و به نظر می‌رسد که معلول بدکاری سیستم اعصاب مرکزی باشند. حتی باوجود اینکه ناتوانی یادگیری ممکن است همراه با سایر شرایط معلولیت رخ دهد و یا تأثیرات منفی محیطی مانند تفاوت‌های فرهنگی، آموزش نامناسب و کافی را در برداشته باشد.» (دانیل پی و کافتن، ۲۰۱۸).

تعریف دیگری که در این جا ارائه می‌شود به نقل از کنگره آمریکا طبق قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ است، تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری به معنای وجود اختلالی در یک یا چند فرایند روان‌شناختی پایه بوده که به فهم یا استفاده از زبان نوشتاری و یا گفتاری مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش‌کردن، فکرکردن، صحبت‌کردن، خواندن، نوشتن و هجی‌کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود.» (ایلوارد و براون، ۲۰۱۷).

فصل اول: اختلال یادگیری چیست؟ ۱۷

تعریف دیگری که بیت من ارائه داد که یک بعد تازه و مهم به آن اضافه می‌کرد، او قید اختلاف را نیز در تعریف گنجانده که عبارت بود از اختلاف بین ظرفیت تخمین زده شده و پیشرفت مشاهده شده، تعریف چنین است:

«کودکان که دارای اختلال در یادگیری هستند کسانی‌اند که از نظر آموزشی اختلاف فاحشی بین توانایی‌های عقلی بالقوه تخمین زده شده آن‌ها و سطح عملکرد واقعی حاصل از اختلال‌های اساسی در فرایند یادگیری آن‌ها وجود دارد که ممکن است همراه با اختلال قابل مشاهده‌ای در کارکرد دستگاه عصبی مرکزی باشد یا نباشد و وابسته به عقب‌ماندگی ذهنی تعمیم یافت، محرومیت‌های تحصیلی یا فرهنگی، پریشانی‌های هیجانی شدید، یا ازدست‌دادن حواس نیستند.»

این تعریف که به تعریف nachc معروف است بر خلاف تعریف‌های پیشین مشخص می‌کند که تعیین اختلال کارکرد دستگاه عصبی مرکزی اختیاری بوده و برای تشخیص یک کودک دارای اختلالات یادگیری الزامی است. (ایلوارد و براون، ۲۰۱۷).

تعریف دیگری که در اینجا ارائه می‌شود تعریفی است که کمیته مشاوره ملی کودکان معلول در گزارشی به کنگره، برای ناتوانی‌های یادگیری پیشنهاد نمود و در آخر هم ۵ مسئله را در این تعریف مورد توجه قرار داد. تعریف چنین است:

«کودکان دارای ناتوانی‌های ویژه یادگیری که در یکی یا بیشتر فرایندهای روان‌شناختی مربوط به درک یا استفاده از زبان گفتاری یا نوشتاری از خود نابهنجاری نشان می‌دهند. این نابهنجاری ممکن است در گوش‌دادن، تفکرکردن، صحبت‌کردن، خواندن، نوشتن، هجی‌کردن یا حساب‌کردن خودنمایی کند. این نابهنجاری شرایطی مانند معلولیت

ادراکی، آسیب مغزی، ناکارایی حذاقل مغزی، بدخوانی، اختلال تکلمی تکوینی و نظایر آن بازتاب یابد. در این لیست ناتوانی‌های یادگیری مربوط به بینایی، شنوایی، معلولیت‌های حرکتی، عقب‌ماندگی ذهنی، اضطراب عاطفی یا کمبودهای محیطی موردنظر نمی‌باشد.» در این تعریف ۵ مسئله موردتوجه بوده است:

۱- ناتوانی در انجام تکالیف مدرسه: ناتوانی در یادگیری مهارت‌های تحصیلی به‌عنوان تجلی اصلی ناتوانی‌های یادگیری شناخته شده‌اند.

۲- عوامل استثنایی: از این تعریف عواملی بخصوص مانند مشکلات جسمانی، نقص حسی، تدریس ضعیف، عوامل فرهنگی محیطی و عقب‌افتادگی ذهنی مستثنی شده‌اند. کودکان درگیر این عوامل استثنایی علاوه بر مورد مبتلا به خود ناتوانی‌های یادگیری نیز از خود نشان می‌دهند و همین امر موجب تناقض و سردرگمی می‌شود.

۳- وابسته‌های فیزیولوژیکی: در این تعریف از عملکرد سیستم مرکزی عصبی مقداری انحراف وجود دارد.

۴- اختلاف درعمل: شاخص اصلی ناتوانی در یادگیری تفاوت موجود بین عملکرد تحصیلی مورد انتظار کودک بر مبنای هوش و پیشرفت موجود او می‌باشد.

۵- وابسته‌های روان‌شناسی: نابهنجاری در یکی یا بیشتر فرایندهای اصلی روان‌شناسی به عدم موفقیت در یادگیری می‌انجامد (دورکین، صالحی، ۱۳۹۶). «کودکان ناتوان در یادگیری در یک یا چند فرایند اساسی روانی در ارتباط با فهمیدن یا کاربرد زبان شفاهی یا کتبی ناتوانی نشان می‌دهند. تظاهرات این ناتوانی ممکن است به‌صورت اختلال در

فصل اول: اختلال یادگیری چیست؟ ۱۹

گوش دادن، فکرکردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب باشد.» (کریمی، ۱۳۹۹).

تا اینجا تعریف‌های زیادی ارائه شد. ارائه‌دهندگان این تعریف‌ها و سایر دست‌اندرکاران این رشته، هدف مشابهی را دنبال می‌کنند. بدین معنی که همه می‌کوشند ناتوانی یادگیری را به‌گونه‌ای تعریف کنند که در ارائه خدمات لازم به این مبتلایان به کار آید. در همه این تعریف‌ها چهار بعد اساسی دیده می‌شود:

- تفاوت میان عملکرد مورد انتظار و عملکرد واقعی یک کودک.
- مظاهر یا نشانه‌های رفتاری مربوط به ضعف و قوت موضوع‌های تحصیلی و زبان در یادگیری.
- وجود یا عدم سایر مشکلات، چون ناشنوایی
- تمرکز یا نگرش پایه آن‌ها درباره مشکل یادگیری. (یعقوبی، ۱۳۹۹).

شیوع

«بر مبنای تغییرپذیری تعاریف و معیارهای به‌کاررفته تخمین شیوع ناتوانی‌های یادگیری مشکل می‌باشد. کمیته مشاوره ملی کودکان معلول تخمین زده است که ۱ تا ۳ درصد جمعیت آماری در سن مدرسه با این ناتوانی‌ها روبرو می‌باشند. با وجود این بر مبنای مطالعات انجام‌گرفته این مقدار ۱ تا ۳۰ درصد کودکان را شامل می‌شود.» (دورکین، صالحی، ۱۳۹۶). پرویز شریفی نیز در کتاب خود بیان داشته است که:

تعیین میزان شیوع افراد ناتوان یادگیری، آن هم در یک مقیاس بزرگ، باتوجه به صرف هزینه هنگفت، زمان زیاد، اتخاذ تصمیمات دقیق علی‌رغم وجود تعاریف مختلف، مرور نظریه‌ها و رویه‌های ارزشیابی متعدد، کاری بس مشکل است. میزان برآورد از ۱ تا ۲۸ درصد در نوسان است. از زمانی که مطالعه در زمینه ناتوانی‌های یادگیری شروع شده میزان شیوع این اختلال در بین کودکان در مقایسه با سایر ناتوانی‌ها بالا بوده است. اکثر گزارش‌ها نشان می‌دهد که ۲ تا ۳ درصد کودکان دارای نیازهای ویژه به ناتوانی یادگیری مبتلا هستند. (شریفی درآمدی، ۱۳۹۶)

به دلیل نبود تعریفی مشخص، تعیین میزان دقیق فراوانی، ناتوانی‌های یادگیری میسر نیست. با این وجود محققان مختلف با معیارهای تشخیصی متفاوت به پیدا کردن میزان فراوانی این کودکان اقدام نموده‌اند که طبعاً این معیارها هیچ‌گونه همخوانی با یکدیگر ندارند. اداره آموزش ایالات متحده در سال ۱۹۸۴ اعلام کرد که $\frac{4}{63}$ درصد از جمعیت ۳ تا ۲۱ ساله آمریکا از خدمات خاص کودکان ناتوان یادگیری استفاده کرده‌اند.

در حال حاضر دست‌اندرکاران حدس می‌زنند که حداقل بین ۱ تا ۳ درصد و حداکثر تا ۷ درصد کودکان به ناتوانی‌هایی یادگیری مبتلا هستند. میزان رواج نارساخوانی در کل جمعیت ده درصد برآورد شده است. انجمن آمریکایی روانپزشکی ۱۹۸۰، برآورد فراوانی اختلال یادگیری زبان را بین ۱ تا ۸ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر کودک می‌دانند. همان گونه که ملاحظه می‌کنید. نبود یک تعریف جامع و مانع، به روش‌های معتبر تشخیص و شیوه‌های ناهمسان ارزیابی منجر می‌گردد که در این زمینه با ارقامی متفاوت روبه‌رو باشیم. (حاج‌بابایی، دهقانی، ۱۳۹۶).